

اهداف استکبار از ایجاد جنگ‌های مذهبی سی‌ساله در

جهان اسلام

غلامحسین رضایت^۱، حسین اکبری^۲، علی‌اکبر احمدیان^۳، سید محمد جولایی^۴*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و ششم، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۲

 20.1001.1.1735501.1402.26.99.1.3

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی اهداف استکبار از ایجاد جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام، براساس تجربه تاریخی جنگ‌های سی‌ساله اروپا در قرن هفدهم میلادی است. این پژوهش نوعی تحقیق کاربردی - اکتشافی است که با روش پژوهش ترکیبی صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل سه گروه «خبرگان علمی»، «کارشناسان مسائل سیاسی» و «کارشناسان مسائل دفاعی-امنیتی» است. روش نمونه‌گیری، در مرحله کیفی، روش نمونه‌گیری هدفمند و در مرحله کمی، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی بود. حجم نمونه در مرحله کیفی ۱۸ نفر بود که به دلیل دستیابی به اشباع نظری تا سیزده نفر ادامه یافت همچنین حجم نمونه در مرحله کمی ۲۴ نفر بود. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی، مصاحبه عمیق و در مرحله کمی، پرسشنامه محقق ساخته بود که با استفاده از داده‌های حاصل از مرحله کیفی ساخته شد. برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوا و برای اعتباریابی یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها از روش دلفی استفاده شد، برای این منظور یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته، سازمان‌دهی و برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و پس از دو مرحله رفت‌وبرگشت، نتایج حاصل توسط آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اهداف استکبار را می‌توان در قالب چهار دسته شامل «اهداف سیاسی»، «اهداف اقتصادی»، «اهداف نظامی - امنیتی» و «اهداف فرهنگی - اجتماعی» طبقه‌بندی نمود.

واژگان کلیدی:

استکبار؛ جنگ مذهبی؛ جنگ‌های مذهبی سی‌ساله اروپا؛ جهان اسلام

^۱ دکتری، دانشکده فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران gh_rezayat@yahoo.com

^۲ دکتری، دانشکده مطالعات منطقه‌ای و بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران Akbari1342@yahoo.com

^۳ دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. ghoghnoos1977@gmail.com

^۴ دانشجوی دکتر، دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) joulaei@ut.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسأله

۱-۱- مقدمه موضوع

پس از اضمحلال نظام کمونیستی شوروی، ایالات متحده آمریکا به عنوان پرچمدار اندیشه لیبرال، در صحنه روابط بین الملل به عنوان قدرت بلامنازع پدیدار گشت. در این شرایط، اندیشه انقلاب اسلامی، مبتنی بر ارزش های خدامحور که از بدو پیدایش در تضاد مبنایی با ارزش های مادی گرای لیبرالی قرار داشت، به عنوان دشمن اصلی و علت العلل تعارضات جهان اسلام با غرب که از آن به جنگ جهانی چهارم تعبیر شده معرفی شد. این جنگ ماهیتی ایدئولوژیک داشت و در حقیقت جنگ ایدئولوژی ها بود (کوهن، ۲۰۰۱).

دامنه نفوذ انقلاب اسلامی نه تنها میان شیعیان بود بلکه در اهل سنت هم اثرات قابل توجهی گذاشت و باعث ایجاد جنبش های اسلام خواهانه در برخی نقاط جهان اسلام شد که نمود آن احیای مسئله فلسطین در جهان اسلام و وقوع انتفاضه در سرزمین های اشغالی و شکل گیری جریان مقاومت در میان اهل سنت بود. پس از یازدهم سپتامبر و شکست سیاست های یکجانبه گرایانه آمریکا در منطقه و هم زمان با پدیده بیداری اسلامی، استکبار با سازمان دهی گروه های تکفیری که از سال های گذشته برای تشکیل و سازمان دهی آن ها سرمایه گذاری های کلانی کرده بود، تشکیلات جدیدی در جهان اسلام ایجاد کرد که اولویت خود را بر جنگ با شیعیان قرار دهد. موضوعی که در سخنرانی های انتخاباتی ترامپ (۲۰۱۵)^۱ بارها علیه رقیبش کلینتون بر آن تأکید شد. نتیجه این راهبرد، شکل گیری گروه های تروریستی از جمله گروه داعش بود که عملاً در پی آن بود که صحنه منازعه میان انقلاب اسلامی و استکبار را به صحنه منازعه شیعه و سنی تبدیل کند.

پس از آغاز موج بیداری اسلامی در منطقه، نظام سلطه شرایط را برای مدیریت نهضت های مردمی در کشورها مساعد دید و با وارد کردن همان گروه های از پیش ساخته شده، این قیام ها را به صحنه منازعه داخلی در جهان اسلام تبدیل کرد. این تلاش ها با هدف ایجاد یک جنگ مذهبی تمام عیار درون جهان اسلام انجام می شد. جنگی سی ساله که دارای یک نمونه تاریخی در اروپا بوده، میان کاتولیک ها و پروتستان ها صورت گرفته بود. بدین شکل مفهوم "جنگ

^۱ <https://www.youtube.com/watch?v=t1qRgfw3Yk0>



مذهبی سی ساله در جهان اسلام" به سرعت وارد ادبیات سیاسی استکبار شده سپس به عنوان یک راهبرد مشخص توسط سیاست‌گذاران ارشد ایالات متحده آمریکا تدوین گردید (کیسینجر، ۱۳۹۷).

با توجه به توضیحات فوق و با مفروض دانستن ایجاد جنگ‌های مذهبی میان مسلمانان به عنوان راهبرد کلان استکبار در قبال جهان اسلام، مسأله این تحقیق آن است که اهداف راهبردی استکبار از کاربست تجارب جنگ مذهبی سی ساله اروپا در جهان اسلام چیست و این اهداف را چگونه می‌توان، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کرد. برای دستیابی به پاسخ لازم برای این مسئله سؤال‌های زیر مطرح و در فرایند انجام تحقیق تلاش شد تا از طریق یک پژوهش علمی پاسخ‌های عالمانه و مناسب برای آن‌ها فراهم گردد.

الف) اهداف سیاسی استکبار از ایجاد جنگ مذهبی در جهان اسلام چیست؟

ب) اهداف اقتصادی استکبار از ایجاد جنگ مذهبی در جهان اسلام چیست؟

ج) اهداف فرهنگی - اجتماعی استکبار از ایجاد جنگ مذهبی در جهان اسلام چیست؟

د) اهداف نظامی - امنیتی استکبار از ایجاد جنگ مذهبی در جهان اسلام چیست؟

جنگ‌های مذهبی ماهیتاً با انواع دیگر جنگ‌ها متفاوت است و اهدافی که به تبع آن در کشورهای درگیر در آن دنبال می‌شود به لحاظ اجتماعی و فرهنگی بسیار عمیق‌تر از سایر انواع جنگ است؛ بنابراین انجام پژوهش پیرامون اهداف آن علاوه بر کمک به تولید دانش در خصوص مفهوم جنگ مذهبی، به فهم بهتر نتایج و اثرات مدنظر نظام سلطه از ایجاد جنگ مذهبی در جهان اسلام کمک می‌کند. همچنین راهبردهای مناسب مقابله با اهداف نظام سلطه از این پدیده را به تصمیم‌گیران پیشنهاد می‌کند. از طرفی نبود شناخت کافی از اهداف پدیده جنگ سی ساله، ممکن است به‌طور ناخودآگاه زمینه‌ساز ایجاد و تقویت گسل‌های مذهبی در داخل و خارج از کشور و سهولت دستیابی نظام سلطه به این اهداف راه‌اندازی آن و در نتیجه ایجاد شرایط مدنظر آنان گردد.

۱-۲- مفهوم‌شناسی

جهان اسلام:

تعریف جهان اسلام در این پژوهش شامل منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. این منطقه شامل ۲۱ کشور از جمله اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، ایران،



بحرین، پاکستان، ترکیه، تونس، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، فلسطین، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، مصر و یمن است که غالباً دارای تنوع مذهبی هستند. از منظر هویتی، ارتباط مذهب و سیاست در این منطقه جهان اسلام، بیش از دیگر نقاط مشاهده می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل سازنده سیاست‌های داخلی و خارجی در این منطقه، هویت دینی است.

جنگ مذهبی:

جنگ مذهبی عبارت است از جنگی که در آن طرفین جنگ، هردو به یک دین واحد منتسب بوده و در آن حداقل یکی از طرفین ضمن برحق دانستن مذهب خود و خارج از دین قلمداد کردن طرف مقابل، معتقدند به فرمان الهی و به منظور گسترش یا محافظت از باورهای مذهبی خود یا مجبور کردن طرف دیگر به پیروی از آن مذهب، می‌جنگند.

جنگ‌های مذهبی سی‌ساله اروپا:

جنگ سی‌ساله اروپا جنگی است که در ابتدای قرن هفدهم میلادی در اتفاق افتاد و طی آن قدرت‌های بزرگ اروپا با بهانه اختلافات مذهبی میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها به مدت سی سال با یکدیگر در جنگ بودند و ثمره این منازعه خونین محدود شدن کلیسا و برقراری نظم سیاسی جدید در اروپا بود.

استکبار

معنای استکبار از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی عبارت است از قدرت یا قدرت‌هایی در دنیا؛ که به دلیل آن‌که دارای امکانات پولی، تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ به خود اجازه دخالت مالکانه در امور زندگی کشورها و ملت‌های دیگر، می‌دهند (بیانات ۱۳۸۸/۸/۱۲).
رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است. (بیانات ۱۳۹۲/۸/۲۹)

۲-۳- چارچوب نظری

الف) مبانی نظری

رهیافت واقع‌گرایی^۱ چارچوب منظمی از ادبیات نظری در خصوص جنگ ارائه می‌کند. این رویکرد را در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان به سه دسته واقع‌گرایان کلاسیک، نو واقع‌گرایان و واقع‌گرایان نوکلاسیک دسته‌بندی کرد.

^۱- Realism



مکتب واقع‌گرایی کلاسیک، منابع سیاست میان کنشگران را به متغیرهای سطح واحد، فروکاسته، به اجبارها و الزامات نظام بین‌الملل چندان اهمیت نمی‌دهد؛ نوواقع‌گرایی هم صرفاً بر اساس منطق جبر‌گرایی خود همه‌چیز را به ساختار نظام بین‌الملل تقلیل می‌دهد و ارزش علی برای ویژگی‌ها و خصوصیات ملی کشورها قائل نمی‌شود. از این‌رو، واقع‌گرایی نوکلاسیک در چارچوب پارادایم واقع‌گرایی ارائه شده است و بر آن است تا نارسایی‌های واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی را تا حدودی مرتفع سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۶).

واقع‌گرایان مفهوم دولت را محور همه تحولات، می‌دانند و معتقدند دولت‌ها در نظام بین‌الملل که ماهیتی کاملاً آنارشیک دارد، صرفاً در پی کسب منافع ملی خود از طریق خودداری و به‌منظور بقاء هستند. در این محیط، به علت کمبود منابع حیاتی دولت‌ها برای تأمین امنیت، به رقابت می‌پردازند که پیروزی در این رقابت، تنها از راه کسب دائمی قدرت به دست می‌آید. به تعبیری دیگر در نگاه واقع‌گرایان کلاسیک منافع ملی به‌مثابه چراغ راه تصمیم‌سازان و مجریان سیاست‌هاست و این تنها ابزارهای مادی همچون قدرت نظامی است که ضامن حفظ و توسعه مرزهای منافع ملی خواهد بود (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

از نگاه واقع‌گرایان، دولت قوی دولتی است که درون خود علاوه برداشتن مؤلفه‌های مادی و انسانی قدرت، شامل سرزمین پهناور، ارتش قدرتمند، نیروی انسانی جوان، فرهنگ قوی، منابع زیرزمینی غنی و موقعیت ژئوپلیتیک بتواند، جریان‌های قدرت را در درون خود مدیریت کرده، تحت فرمان خویش قرار دهد، بدین معنا که اگر دولتی نتواند، جریان‌های قدرت درون خود را به خود وابسته نماید، به‌طوری‌که این جریان‌ها دارای منابع مالی غیردولتی بوده و مستقیماً از جامعه تغذیه کنند یا دارای اقتدار خاصی باشند که بر اساس تحلیل‌های وبری منابع قدرت خود را از جامعه بگیرند، چنین دولتی در دسته‌بندی دولت‌های ضعیف قرار خواهد گرفت (عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۴۱). واقع‌گرایان کلاسیک و در نقطه اوج آنان مورگنتا، سرشت انسان را پلید و شرور می‌دانند که برای تأمین منافع خود که ناشی از قدرت‌طلبی او است، با دیگران در تنازع است. این موضوع در کنار فقدان اقتدار مرکزی در روابط بین‌الملل، باعث ایجاد مشروعیت برای به‌کارگیری زور و ایجاد جنگ می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۹۷). در این دیدگاه مفهوم جنگ ابزاری کاملاً موجه در اختیار سیاست‌مداران قلمداد می‌شود که بر اساس صلاحدید دولت و هم‌زمان با دیپلماسی یا به‌جای آن به کار گرفته می‌شود (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۵۹۵).

اما نوواقع‌گرایی که برای رفع ناتوانی واقع‌گرایی کلاسیک در تبیین برخی رویدادهای بین‌المللی در دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفت، اگرچه در اصول با واقع‌گرایان کلاسیک اشتراک‌های



قابل توجهی دارد، اما عملاً در تلاش برای علمی کردن واقع‌گرایی کلاسیک، ضمن توجه به مقوله‌ها و موضوعات متعدد دیگر همچون اقتصاد در روابط بین‌الملل، سعی در ارائه تبیین نظام‌مندی از این وجوه روابط بین‌الملل به مخاطب دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۰۸). به عنوان مثال والتز^۱ (۱۳۹۸) به‌عنوان بنیان‌گذار نوواقع‌گرایی در خصوص مقوله جنگ، به سه دسته عوامل برای ایجاد جنگ شامل «عوامل مربوط به ماهیت و سرشت جنگ‌طلب انسان یا انسان‌های خاص» «رژیم‌های جنگ‌طلب با ایدئولوژی و نظام‌های خاص سیاسی» و «ساختار بدون اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل» اشاره نموده و معتقد است برای تبیین علل و اهداف وقوع جنگ باید به هر سه عامل فوق توجه نمود.

اما دسته دیگری از واقع‌گرایان با نام نوکلاسیک‌ها که در دو طیف اصلی تدافعی و تهاجمی دسته‌بندی و بر اساس نوع نگاه به نظام جهانی از یکدیگر متمایز می‌شوند، به‌طوری که واقع‌گرایان تدافعی آنارشی بین‌المللی را خوش‌خیم و قابل مدیریت می‌دانند، درحالی‌که از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، در جهان آنارشیک پرخطر، دولت‌ها به دنبال آن هستند که سهم خود از قدرت را به حداکثر برسانند که این به معنی کسب قدرت به زیان دیگران است (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۲). واقع‌گرایان نوکلاسیک از لحاظ استدلال به نوواقع‌گرایان شباهت دارند اما برخلاف آنان به مطالعات تاریخی بسیار اهمیت می‌دهند. به‌عنوان مثال زکریا^۲ معتقد است، دولت‌ها در یک بستر تاریخی هنگامی که ثروتمند می‌شوند خود را درگیر مسائلی خارج از مرزهایشان می‌کنند و بدین ترتیب به دنبال افزایش نفوذ جهانی خود هستند (زکریا، ۱۹۹۸: ۳).

ب) نظریات مرتبط

برخی آثار، نویسندگان با نگرشی تاریخی سعی در نظریه‌پردازی در خصوص علل و اهداف وقوع منازعات مذهبی هستند (جیتسه و راشل ۲۰۲۰). برخی دیگر مانند کالینز (۲۰۱۸) با بررسی آثار فیلسوفانی مانند هابز معتقدند که تعارض منافع اجتماعی عامل اصلی ایجاد منازعات مذهبی و در حقیقت جنگ مذهبی عامل پیشبرد اهداف اجتماعی خصوصاً اهداف سیاسی است. برخی دیگر مانند کلاک و هاسنر (۲۰۱۹) عامل دین را در همه انواع جنگ‌هایی که ظاهراً حتی عنوان مذهبی هم ندارند، مؤثر می‌دانند و معتقدند دین عامل مهم آغاز یا پایان جنگ و بسیج نیروها در همه جنگ‌هاست.

1- Keneth Waltz

2- Farid Zakaria



اما پس از بررسی نظریات مختلف و با توجه به مبانی نظری فوق، به نظر می‌رسد با استفاده از نظریات چهار نظریه‌پرداز اصلی واقع‌گرا شامل کوهن، لویس، هانتینگتون و کیسینجر می‌توان، اهداف استکبار از شبیه‌سازی و ایجاد جنگ مذهبی سی‌ساله در جهان اسلام را تبیین نمود:

کوهن^۱ و نظریه جنگ جهانی چهارم:

نظریه جنگ جهانی چهارم ابتدا توسط دامارانش^۲ در کتابی با همین عنوان مطرح شد (دمارانش، ۱۳۸۶: ۱۳) و پس‌از آن کوهن (۲۰۰۱) آن را تئوریزه کرد. بر اساس این نظریه، کوهن (۲۰۰۱) معتقد است جنگ جهانی چهارم، عنوان مطلوب و دقیق‌تری برای جنگی خواهد بود که هم‌اکنون بشر با آن درگیر است. جنگ سرد، جنگ جهانی سوم بود که به ما نشان داد، همه منازعات جهانی، شامل درگیری ارتش‌های چندمیلیونی یا خطوط دفاعی متعارف نمی‌شوند. از این‌رو، وجه شباهت این منازعه با جنگ سرد، جهانی بودن آن است که در نتیجه ترکیبی از اقدامات خشونت‌آمیز و بدون خشونت را در برمی‌گیرد و چنانچه ما را وادار به استفاده از سربازان مان نکند، قطعاً مستلزم بسیج توانایی‌ها، منابع و فعالیت‌های متعدد است که ممکن است مدت‌زمان زیادی به طول انجامیده و قطعاً ریشه‌های ایدئولوژیک دارد. این نظریه بیان می‌دارد:

- پس از جنگ جهانی اول و دوم و جنگ سرد به‌عنوان جنگ سوم، اکنون جنگی میان کشورهای شمال، به‌عنوان موافقان وضع موجود و کشورهای جنوب به سرکردگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان معارضان وضع موجود، در حال وقوع است.
- این جنگ ماهیتی ایدئولوژیک دارد و در حقیقت می‌توان گفت، جنگ ایدئولوژی‌هاست.
- برای پیروزی در چنین جنگی باید از ابزار عقیده برای از میان بردن عقیده استفاده کرد.

لویس^۳ و نظریه تضاد تمدن‌ها:

در اندیشه لویس اسلام با مسیحیت و یهودیت تفاوتی آشکار دارد. در دین یهود حکمرانی دولت یهود مجال بسیار اندک داشت و حضرت موسی (علیه‌السلام) توفیق رسیدن به ارض موعود را نداشت و مسیح (علیه‌السلام) نیز در آیین نصرانی به صلیب کشیده شد و بیش از ۳۰۰ سال بعد کنستانتین امپراتور روم مسیحیت را آیین رسمی اعلام کرد؛ اما در اسلام اوضاع به‌طور اساسی فرق دارد. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) موفق به تشکیل حکومت شد و آیین حکومت‌داری

1- Eliot A. Cohen

2- Alexandre de Marenches

3- Bernard Lewis



مدنظر خود را بنا نهاد (لویس، ۱۳۹۷: ۷۴). از نظر لویس، گرچه شیعیان در کنار صلیبیون مسیحی و مغول‌های بت‌پرست از درون تهدیدی جدی برای نهاد حکومت در جهان اسلام که ابتدا در سرزمین حجاز و سپس مدت کوتاهی در شام و نهایتاً به مدت پنج قرن در عراق حاکمیت داشت، بودند اما این منازعه هیچ‌گاه مانند جهان مسیحیت، نه‌تنها منجر به جنگ‌های خونین مذهبی و راه‌حل اروپایی آن یعنی جدایی حکومت از دین نشد، بلکه برعکس باعث نزدیکی این دو به هم و ظهور اراده خداوند در اقدامات و تصمیمات سلطان به‌عنوان خلیفه رسول خدا گردید (لویس، ۱۳۹۷: ۷۷ و ۷۸). در مجموع، نظریه لویس که با نگاه تاریخی به مسائل جهان اسلام پرداخته است دارای چهارچوب‌های اصلی زیر است:

- مشکلات جهان اسلام امری ذاتی و درونی و برخاسته از سنت تاریخی این آیین است.
- تمدن اسلامی بنا به ذات ناسازگار خود همواره برای تمدن مسیحی تهدید بوده است.
- ایجاد جنگ صلیبی تلاشی لازم، هرچند ناکافی برای کاهش قدرت تمدن اسلامی بود و این جنگ‌ها، هرچند خشونت‌بار بودند، اما به گواهی تاریخ، واکنش مناسبی به یورش اسلام در قرن‌های گذشته بوده است.

هانتینگتون ۱ و جنگ تمدن‌ها:

هانتینگتون (۱۹۹۳) با طرح نظریه جنگ تمدن‌ها درصدد است چارچوبی تئوریک برای منازعات پس از جنگ سرد بنا کند، او ابتدا این اصطلاح را در مقاله‌ای با عنوان برخورد تمدن‌ها^۱ بکار برد و در آن به توضیح هشت تمدن اصلی بشر شامل تمدن اسلامی، غربی، ژاپنی، کنفوسیوسی، هندو، اسلاو، آمریکای لاتین و آفریقا پرداخته و بیان کرد که جنگ‌های آینده بشر در گسل‌های موجود میان هرکدام از این تمدن‌ها رخ خواهد داد. به اعتقاد هانتینگتون (۱۹۹۳) اختلافات میان تمدن‌ها اساسی است و این اختلافات منشأ سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله درگیری‌های در عصر خود است. به‌زعم او خطوط گسل موجود بین تمدن‌های امروزی جایگزین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک دوران جنگ سرد شده و این خطوط جرقه‌های ایجاد بحران و خونریزی و جنگ‌های پس از جنگ سرد خواهند بود. در مجموع عناصر اصلی نظریه هانتینگتون را می‌توان، شامل گزاره‌های زیر دانست:

- هویت و خودآگاهی تمدنی در حال رشد و افزایش است.
- تجدید حیات مذهبی، وسیله‌ای برای پر کردن خلأ هویت در حال رشد است.
- نوع رفتار غرب با سایر تمدن‌ها موجب رشد خودآگاهی آنان شده است.

1- Samuel Huntington
2- Clash of Civilizations



• شعله‌های منازعه دیرپای میان اسلام و غرب در حال روشن شدن است و روابط میان این دو تمدن بستر حوادثی خون‌بار خواهد بود.

• نقش مشترکات فرهنگی در کنار اقتصاد منطقه‌ای، در حال پررنگ شدن است.

کیسینجر و نظریه تاریخی نظم اروپایی:

کیسینجر در کتاب خود با عنوان نظم جهانی^۱ با رویکردی تاریخی، بنیان‌های نظری شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای و بین‌المللی مد نظر خود را پایه‌ریزی می‌نماید. شالوده اصلی بحث او را می‌توان، شکل‌دهی به این نظم بین‌المللی، حول محور برتری ایالات متحده آمریکا دانست. او در این کتاب ابتدا به‌طور مبسوط، به بررسی تاریخ اروپای قبل از قرن هفدهم پرداخته و پس از آن با بیان نظرات خود پیرامون منطقه غرب آسیا سعی در ترسیم شباهت‌های این منطقه با اروپای قبل از ابتدای قرن هفدهم دارد. بنیان اصلی نظریه کیسینجر در این کتاب ایجاد یک نظم منطقه‌ای است که در آن، میان دولت‌ها تعادل برقرار شده و هیچ دولتی نتواند بر دیگران سلطه پیدا کند و این موضوع را ویژگی متمایزکننده نظم اروپایی دانسته و معتقد است در اروپا تغییر دولت نتیجه تغییر اصول بنیادین و شکل‌گیری مفهوم جدیدی از مشروعیت سیاسی بود (کیسینجر، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۷). کیسینجر معتقد است: جنگ سی‌ساله اروپا سبب شد که ادعاهای جهان‌شمول مذهبی رنگ باخته و پس از آن جنگ‌های کوچک بر سر مسائل قابل حل به‌تدریج جایگزین دوران عقاید متخاصم ملامال از اجبارهای مذهبی و جنگ‌های بزرگ خانمان‌سوز شود (کیسینجر، ۱۳۹۷: ۲۲). در مجموع گزاره‌های اصلی نظریه کیسینجر را می‌توان، شامل گزاره‌های زیر دانست:

- در اروپای پس از جنگ، گسترش روحیه روشنگری سکولار که بر پایه روحیه تحلیل‌گری و آزمون دقیق بناشده بود گردید که در آن جهان قابل فهمیدن و رمز زدایی شده است و انسان (و نه حقیقتی دیگر مثل خدا) نقش اصلی و توضیح‌دهنده را داراست.

• منطقه غرب آسیا در حال تجربه تاریخی چون امپراتوری، جنگ مذهبی، سلطه بیگانگان و جنگ‌های فرقه‌ای به‌طور هم‌زمان است و تا زمانی که دستیابی به مفهوم نظم جهانی رخ ندهد این منطقه همواره در کشمکش میان گرایش به جامعه جهانی و نزاع با آن گرفتار خواهد ماند.

• مسئله اصلی در منطقه غرب آسیا، بازگشت به اسلام و ناامیدی مردمان این منطقه از دستاوردهای نظم وستفالی است.

• اگر نظم را نتوان، با اجماع به دست آورد یا بازور اعمال کرد، خودبه‌خود با هزینه جانی و مالی گزاف و از رهگذر تجربه آشوب ساخته خواهد شد.



ج) نقد و ارزیابی نظریه‌ها و نظریه مختار:

نظریه لویس از بُعد تجویزی با هانتینگتون متفاوت است، او بر مبنای نگرش تاریخی و با مطالعات عمیق در خصوص خلافت عثمانی‌ها و چگونگی متلاشی شدن آن، از یک سو و تاریخ جنگ‌های صلیبی از سوی دیگر راهکار قدرت زدایی از جهان اسلام را بیشتر در تهاجم بیرونی به جهان اسلام می‌داند؛ اما از بعد ماهیت، نظریه لویس و هانتینگتون به هم شبیه‌اند این دو نظریه، منازعه میان دو تمدن اسلام و مسیحیت را لازم (از منظر لویس) یا قطعی (از منظر هانتینگتون) می‌دانند؛ اما نظریه کیسینجر مدعی توصیف منازعه میان اسلام و مسیحیت نیست او از شواهد تاریخی منازعات میان فرقه‌ای مسیحیت برای توصیف تنش‌ها و جنگ‌ها میان فرقه‌های اسلام استفاده کرده و در کنار نظریه کوهن عامل این تنش‌زایی را حیات دوباره جهان اسلام برمی‌شمارد. با توجه به توضیحات فوق، نظریه کیسینجر در کنار نظریه کوهن، به‌منظور تبیین موضوع این پژوهش مناسب‌تر است.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- نقد و ارزیابی پیشینه پژوهش

ادبیات مربوط به منازعات مذهبی در جهان اسلام را می‌توان، به دو بخش تقسیم نمود. بخش نخست پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که به شکل عام به پدیده جنگ مذهبی در جهان اسلام شامل علل و آینده منازعات مذهبی و گروه‌های خشونت‌گرا در جهان اسلام می‌پردازند و دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به طور مستقیم به بررسی و تبیین جنگ‌های اخیر منطقه غرب آسیا پرداخته و نسبت آن با جنگ مذهبی سی‌ساله اروپا را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در دسته اول، بیشتر تحقیق‌های انجام‌شده، علت تکوین پدیده جنگ‌های مذهبی و گروه‌های خشونت‌گرا، تضادها و تناقض‌های درونی جهان اسلام بررسی شده اما نقش و اهداف استکبار بین‌المللی در پیدایش آن یا نادیده گرفته شده است یا واکنشی در برابر این تضادها و تناقض‌های درونی عنوان می‌شود و نقش عامل بیرونی^۱ در به راه انداختن آن‌ها کاملاً مغفول است. این دسته پژوهش‌ها منازعات درون جهان اسلام را برخاسته از بسترهای مناسب درونی در جهان اسلام و در واکنش به تهاجم ارزشی جهان لیبرال و در واقع عکس‌العمل طبیعی جهان اسلام در برابر تسلط گفتمان ارزشی غرب می‌دانند (استگر، ۲۰۰۵)؛ و برخی دیگر، وجود نظام‌های سیاسی استبدادی

^۱ - agent provocateur



و رسانه‌ها و افکار پسااستعماری در جهان اسلام (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴) یا ترکیب دو جریان اسلام‌گرای مغرب و مشرق عربی (احمدی، ۱۳۸۴) و یا حتی استفاده نابجا و نادرست از عبارات‌های به‌کاررفته توسط علمای شیعه و وارونه‌نمایی مناسک و اعمال مذهبی شیعیان (حیدری، ۱۳۹۴) را عامل وقوع پدیده جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام می‌دانند.

اما بخش دوم پژوهش‌های پیرامون موضوع جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام که به‌طور مستقیم به موضوع جنگ سی‌ساله اروپا و نسبت آن با منازعات جاری در جهان اسلام اشاره دارد، علیرغم فقدان ادبیات معتابه تحقیق در کشورمان نوشته‌های زیادی در باب این موضوع در غرب به رشته تحریر درآمده است که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

اما ادبیات مربوط به منازعات مذهبی در جهان اسلام را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. بخش نخست پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که به شکل عام به پدیده جنگ مذهبی در جهان اسلام شامل علل و آینده منازعات مذهبی و گروه‌های خشونت‌گرا در جهان اسلام می‌پردازند و دسته دوم پژوهش‌هایی هستند که به‌طور مستقیم به بررسی و تبیین جنگ‌های منطقه غرب آسیا پرداخته، نسبت آن با جنگ سی‌ساله مذهبی اروپا را موردبررسی قرار داده‌اند.

در خصوص دسته اول، بیشتر تحقیق‌ها، علت تکوین پدیده جنگ مذهبی و گروه‌های خشونت‌گرا ناشی از تضادها و تناقض‌های درونی جهان اسلام عنوان می‌شود و نقش و اهداف استکبار بین‌المللی را در پیدایش آن یا نادیده می‌گیرند یا واکنشی در برابر این تضادها و تناقض‌های درونی عنوان می‌کنند. برخی نویسندگان ریشه جنگ‌های مذهبی را در نابسامانی‌ها و چالش‌های درونی جهان اسلام جستجو می‌کنند و بعضاً نقش عامل بیرونی^۱ در به‌راه انداختن آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

برخی از نویسندگان این منازعات را برخاسته از بسترهای مناسب درونی در جهان اسلام و در واکنش به تهاجم ارزشی جهان لیبرال و درواقع عکس‌العمل طبیعی جهان اسلام در برابر تسلط گفتمان ارزشی غرب می‌دانند (استگر، ۲۰۰۵) و برخی دیگر، وجود نظام‌های سیاسی استبدادی و رسانه‌ها و افکار پسااستعماری در جهان اسلام (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴) یا ترکیب دو جریان اسلام‌گرای مغرب و مشرق عربی (احمدی، ۱۳۸۴) و یا حتی استفاده نابجا و نادرست از عبارات‌های به‌کاررفته توسط علمای شیعه و وارونه‌نمایی مناسک و اعمال مذهبی شیعیان (حیدری، ۱۳۹۴) را عامل وقوع پدیده جنگ مذهبی در جهان اسلام می‌دانند.

^۱ - agent provocateur



همچنین بخش دیگری از این دسته از ادبیات تحقیق که درصد کمتری از پژوهش‌های این حوزه را شامل می‌شود علاوه بر بیان علل، به آینده این منازعات یا گرقوه‌ها می‌پردازد که در ذیل به برخی پژوهش‌های دسته اول اشاره می‌شود.

کلارک (۲۰۱۹) در اثری با عنوان «پس از خلافت: دولت اسلامی (داعش) و دیپلماسی تروریستی آینده» با ارزیابی مسیرهای پیش روی گروهک تروریستی داعش با بیان این موضوع که زمینه حضور یک دولت - ملت مبتنی بر اشکال پیچیده ایجاد خشونت‌های مذهبی در عراق و سوریه مهیا نبود و به همین دلیل این دولت سرنگون شد، معتقد به انتشار این گروه و ایجاد درگیری‌های پراکنده مذهبی در نقاط مختلف جهان اسلام است.

الاسترآبادی و گنگولای (۲۰۱۸) نیز در کتاب خود با عنوان «آینده داعش: پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی» که در مؤسسه بروکینگز به چاپ رسیده است ضمن ارائه نظرات خود در خصوص تقابلی نظامی ایالات متحده با پدیده داعش، به بررسی پیامدها و آثار این تقابل در منطقه می‌پردازند. از دیگر نویسندگان این دسته می‌توان به بنارد اشاره کرد. او در کتاب اسلام دمکراتیک مدنی (۱۳۸۲) مسلمانان را به سه دسته تقسیم می‌کند، دسته اول بنیادگراها که به رهبری جمهوری اسلامی ایران به دنبال تشکیل حکومت دینی هستند. دسته دوم رادیکال‌ها که شامل سلفی‌ها و وهابی‌ها می‌شوند و دسته سوم که مسلمانان سکولار هستند. این نویسنده پس از تحلیل هر کدام از این سه دسته، نتیجه می‌گیرد که برای خنثی کردن بنیادگراها باید از رادیکال‌ها استفاده کرد بدین معنا که باید وهابی‌ها را به جان بنیادگراها انداخت تا انرژی و پتانسیل این‌ها گرفته شود و زمینه برای به قدرت رسیدن سکولارها فراهم گردد. بدین منظور باید سکولارها را تقویت و توانمند کرد.

جز موارد معدود مانند تودنهورفر (۱۳۹۴) که به نقش غرب در راه‌اندازی جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام، اذعان می‌کند و اتحاد شیعه و سنی را تنها راه خاموش شدن آتش این جنگ‌ها می‌داند یا ادواردز (۲۰۰۶) که سعی در تفکیک منصفانه جریان‌های خشونت‌گرای ظاهراً مسلمان با اسلام اصیل دارد، در اغلب پژوهش‌های این حوزه زمانی که به سنجش نبردهای مبتنی بر مذهب پرداخته می‌شود از نقش قدرت‌های غربی در راه‌اندازی و اهداف استعماری آن‌ها از هرچه شعله‌ورتر شدن آتش این نبردها چشم‌پوشی شده بیشتر به جنبه‌های فکری و نوع رفتار گروه‌های درگیر در جنگ و یا نهایتاً مقایسه گروه‌های افراطی مثل داعش با سایر انواع گروه‌هایی که نقش پررنگی در ایجاد و تداوم جنگ مذهبی دارند پرداخته می‌شود.

نای (۲۰۱۵) در پژوهش دیگری با عنوان «چگونه با دولت اسلامی (داعش) مبارزه کنیم» پس از شناختی که از داعش به دست می‌دهد، اوضاع کنونی و آنچه او رقابت ایران شیعی با عربستان سنی می‌داند را نوعی جنگ مذهبی به سان جنگ‌های مذهبی سی‌ساله در اروپا می‌داند و معتقد



است، باید پیچیدگی‌های جنگ‌های مذهبی سی ساله اروپا مثل اتحاد فرانسه کاتولیک با هلندی-های پروتستان علیه هابسبورگ‌های کاتولیک را در جنگ مذهبی امروزی منطقه خاورمیانه نیز در نظر داشت.

سیمون^۱ و آکسوورثی (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «پایان دادن به جنگ سی ساله جدید» که در خصوص منازعات مذهبی در غرب آسیا نگاشته‌اند، ضمن برشمردن تعدادی از وقایع ناگوار جنگ سی ساله اروپا سعی در نشان دادن شباهت این دوره از تاریخ اروپا با جنگ در سوریه دارند و معتقدند ریشه جنگ‌های خاورمیانه مانند جنگ سی ساله، به مسائل مذهبی مربوط می‌شود. هاس^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای که با عنوان «جنگ سی ساله جدید» در مجله فارین پالیسی^۳ منتشر نموده، می‌نویسد که اوضاع خاورمیانه امروز درواقع همان اوضاع اروپای نیمه اول قرن هفدهم است. در خاورمیانه سال ۲۰۱۱، روند تغییرات پس‌ازاینکه یک میوه‌فروش تونس‌ی که حقوقش پایمال شده بود، به نشانه اعتراض خود را به آتش کشید، آغاز و طی چند هفته، تمامی منطقه را شعله‌ور نمود. در اروپای قرن هفدهم نیز یک شورش منطقه‌ای مذهبی به‌وسیله پروتستان‌های بوهیمیایی علیه امپراتور کاتولیک هابسبورگ (فردیناند دوم) موجب شعله‌ور شدن آن منطقه شد.

ردیف	نویسنده	سال	نام کتاب یا مقاله	توضیحات
۱	کلارک	۲۰۱۹	دولت اسلامی (داعش) و دیپلماسی تروریستی آینده	ریشه‌شناسی سقوط داعش و آینده این گروه
۲	الاسترآبادی، گنگولای	۲۰۱۸	آینده داعش: پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی	آثار تقابل آمریکا و داعش
۳	بنارد	۱۳۸۲	اسلام دمکراتیک مدنی	سه گانه افراطی، بنیادگرا، سکولار و لزوم حمایت از سکولارها
۴	نای	۲۰۱۵	چگونه با دولت اسلامی (داعش) مبارزه کنیم	رقابت ایران شیعی و عربستان سنی
۵	حیدری	۱۳۹۴	کالبدشکافی جریان داعش، بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	استفاده نادرست از عبارتهای به‌کار رفته توسط علمای شیعه و وارون‌نمایی مناسک مذهبی شیعیان عامل جنگ مذهبی است
۶	احمدی	۱۳۸۴	جنبش‌های اسلامی و خشونت در خاورمیانه	منازعات مذهبی نتیجه ترکیب دو جریان اسلام‌گرای مغرب و مشرق عربی است
۷	سیمون و آکسوورثی	۲۰۱۵	پایان دادن به جنگ سی ساله جدید	مذهب، دلیل اصلی جنگ
۸	هاس	۲۰۱۴	جنگ سی ساله جدید	تشابهات غرب آسیا با اروپای قرن ۱۷

¹ Brendan Simons & Michael Axworthy

² Richard Hass

³ Foreign Policy



وجود نظام‌های سیاسی استبدادی و رسانه‌ها و افکار پسااستعماری در جهان اسلام عامل درگیری‌های مذهبی است	برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیلی جامعه شناختانه	۱۳۹۴	کسرایی و داوری مقدم	۹
منزعت مذهبی، عکس‌العمل طبیعی جهان اسلام در برابر تسلط گفتمان غرب است	جهانی‌شدن: بازار ایدئولوژی و تروریسم	۲۰۰۵	استگر	۱۰
تفکیک منصفانه جریان‌های خشونت‌گرای ظاهرأ مسلمان با اسلام اصیل	اسلام و خشونت در عصر مدرن	۲۰۰۷	ادواردز	۱۱
خشونت چاشنی دول اسلامی	بازاندیشی خاورمیانه	۱۹۹۲	لوپس	۱۲
نقش غرب در راه‌اندازی جنگ‌های مذهبی و اتحاد شیعه و سنی تنها راه خاموش شدن آتش این جنگ‌ها	نگاهی به داعش از درون	۱۳۹۴	تودنپوفر	۱۳

۳- روش تحقیق

هدف این پژوهش شناسایی اهداف استکبار از ایجاد جنگ‌های مذهبی در جهان اسلام، بر اساس تجربه تاریخی جنگ‌های سی‌ساله اروپا در قرن هفدهم میلادی است. این پژوهش نوعی تحقیق کاربردی - اکتشافی است که با روش پژوهش ترکیبی صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش در مرحله کیفی، شامل سه گروه خبرگان علمی، کارشناسان مسائل سیاسی، کارشناسان مسائل دفاعی- امنیتی و در مرحله کمی، شامل اساتید و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها در رشته‌های روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات فرهنگی، علوم سیاسی، مطالعات ادیان و علوم نظامی است. اساتید حوزه‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد، تاریخ اسلام، تاریخ اروپا و مسیحیت بودند. در گروه صاحب‌شوندگان سیاسی با توجه به محدوده مکانی تحقیق، صاحب‌نظران مسائل استراتژیک و در حوزه جهان اسلام، عراق، سوریه و شامات، افغانستان و پاکستان انتخاب شدند و در گروه نظامیان نیز سعی شد، خبرگان برتر این حوزه که دارای تجربیات نظامی و صبغه علمی بودند، انتخاب شدند.



جامعه آماری					
مرحله کمی			مرحله کیفی		
علوم نظامی مطالعات منطقه‌ای	مطالعات فرهنگی، مطالعات ادیان	روابط بین‌الملل، علوم سیاسی	خبرگان نظامی- امنیتی	خبرگان سیاسی	خبرگان علمی
۸ نفر	۸ نفر	۸ نفر	۶-۸ نفر	۶-۸ نفر	۶-۸ نفر

حجم نمونه در مرحله کیفی ۱۸ تا ۲۴ نفر بود که به دلیل دستیابی به اشباع نظری تا سیزده نفر ادامه یافت همچنین حجم نمونه در مرحله کمی ۲۴ نفر بود. روش نمونه‌گیری، در مرحله کیفی، روش نمونه‌گیری هدفمند و در مرحله کمی، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی بود. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. داده‌های این پژوهش در مرحله کیفی از طریق مصاحبه با خبرگان سیاسی، نظامی و علمی همچنین از طریق مطالعه و فیش‌برداری از متون مرتبط با موضوع تحقیق شامل بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، شهید سلیمانی فرمانده سپاه قدس و دکتر امیرعبداللهیان به عنوان معاونت عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه همچنین نظرات برخی از استراتژیست‌ها و تصمیم‌سازان غربی که در این موضوع به‌طور مستقیم اظهارنظر داشته‌اند، شامل سخنرانی و کتاب هنری کیسینجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا که یکی از استراتژیست‌های ارشد و از چهره‌های شناخته شده و برجسته سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و از اولین کسانی است که عبارت جنگ سی ساله جدید را به کار برده است، مقاله ریچارد هاوس به‌عنوان رئیس شورای روابط خارجی آمریکا که نقش مؤثری در تصمیم‌سازی سیاست خارجی این کشور دارد، همچنین مصاحبه لئون پانتا رئیس اسبق سیا و وزیر دفاع اسبق آمریکا و سرانجام مقاله استیون مک‌میلان به عنوان یک چهره معتبر دانشگاهی بود. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی، فیش و مصاحبه عمیق و در مرحله کمی، پرسشنامه محقق ساخته بود که با استفاده از داده‌های حاصل از مرحله کیفی ساخته شد. برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوا و برای اعتباریابی یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها از روش دلفی استفاده شد، برای این منظور یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته، سازمان‌دهی و برای اعضای نمونه ارسال شد و پس از دو مرحله رفت‌وبرگشت، نتایج حاصل توسط آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت و برای یافتن اولویت‌بندی میان اهداف، با استفاده از روش خبرگانی، از طریق اجرای پرسشنامه و تجزیه و تحلیل نتایج نظرات پاسخگویان، کمک گرفته شده است. برای ارزیابی پاسخ‌های داده‌شده، به هر گویه، از پاسخگویان خواسته شده بود تا نظر خود را ابتدا



در مورد ضرورت هریک از سؤالات و سپس میزان اهمیت هر یک از سؤال‌های پرسشنامه با یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت^۱ رتبه‌بندی نمایند. برای تعیین پایایی یافته‌های پژوهش در مرحله کیفی از روش پایایی بین کدگذار استفاده شد، برای این منظور به‌غیراز محقق از فرد دیگری خواسته شد تا کدگذاری داده‌ها را انجام دهد، مقایسه نتایج به‌دست‌آمده، نشان داد، میزان همخوانی بین دو کدگذار بالای ۰/۶۸ بود که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول برای این تحقیق بود همچنین برای تعیین پایایی در مرحله کمی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن ۰/۸۸۱ محاسبه شد و بنابراین پایایی تحقیق نیز تأیید گردید.

علاوه بر منابع مذکور برای گردآوری داده‌های بیشتر با خبرگان علمی، نظامی و کارشناسان سیاسی و روابط بین‌الملل نیز مصاحبه صورت گرفت. لازم به ذکر است پس از مصاحبه با خبره شماره سیزدهم با توجه به تکرار اهداف بیان‌شده حصول به اشباع نظری برای محقق مسجل شده و از ادامه مصاحبه‌ها صرف‌نظر گردید. همچنین لازم به ذکر است برای تحلیل داده‌های تحقیق از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

تحلیل داده‌های کیفی

داده‌های کیفی این پژوهش شامل سخنان رهبر معظم انقلاب، سخنان سید حسن نصرالله، سخنان شهید سلیمانی، کتاب صبح شام نوشته حسین امیرعبداللهیان، سخنان و منابع مکتوب کیسینجر، مقاله جنگ سی‌ساله جدید ریچارد هاس، مصاحبه لئون پانتا، مقاله جنگ سی‌ساله جدید خاورمیانه مک میلان و مصاحبه‌های انجام شده بود که پس از تحلیل داده‌ها، یافته‌های حاصل از هر یک از منابع مذکور در جدول جداگانه‌ای ارائه و در انتها یافته‌های حاصل از تمامی منابع در یک جدول تجمیع و پس از ویرایش و پالایش مقوله‌های حاصل، نسبت به طبقه‌بندی آن‌ها اقدام شد.

جدول (۱) مقوله‌های حاصل از تحلیل سخنان رهبر معظم انقلاب

نابودی منابع انسانی و اقتصادی، کشتن مسلمانان به دست خودشان، انحراف مسیر بیداری اسلامی، تغییر جغرافیای منازعه، تغییر جهت دشمنی از صهیونیست‌ها به سمت مسلمانان، تأمین منافع استکبار، نابودی زیرساخت‌های کشورهای اسلامی، اتلاف منابع مالی کشورهای اسلامی، اسلام‌هراسی، تضعیف محور مقاومت، ایجاد انحراف در افکار جوانان مسلمان، نهادینه کردن جنگ‌های فرسایشی در جهان اسلام، ارائه چهره زشت از اسلام

^۱ Likert scale



جدول (۲) مقوله‌های حاصل از تحلیل سخنان سید حسن نصرالله

نابودی زیرساخت‌های کشورهای اسلامی، تضعیف محور مقاومت، تجزیه کشورهای اسلامی، شکل‌دهی هندسه جدید قدرت در منطقه، زمینه‌سازی برای حضور نظامی استکبار در منطقه، نابودی کشورهای منطقه، تشکیل کشورهای ضعیف، نهادینه کردن جنگ فرسایشی در جهان اسلام، تضعیف حکومت‌های منطقه برای تضمین امنیت رژیم اشغالگر قدس

جدول (۳) مقوله‌های حاصل از تحلیل سخنان شهید سلیمانی

تثبیت حضور نظامی در منطقه با پوشش اهداف انسان دوستانه، بی‌خبر و ناآگاه نگه‌داشتن مسلمانان نسبت به تعالیم ظلم ستیزانه اسلام، ایجاد بی‌تفاوتی در مسلمانان نسبت به مسائل و مشکلات سایر مسلمانان

جدول (۴) مقوله‌های حاصل از تحلیل کتاب صبح شام نوشته حسین امیرعبداللهیان

تغییر موازنه قوا به نفع رژیم اشغالگر قدس، تضعیف محور مقاومت، تضمین امنیت رژیم اشغالگر قدس، ناامن‌سازی مناطق تحت نفوذ معنوی ایران، تضعیف حکومت‌های منطقه برای تضمین امنیت رژیم اشغالگر قدس، بهره‌گیری از امکانات مادی کشورهای منطقه برای تأمین اهداف استکبار، انحراف مسیر بیداری اسلامی، تضعیف محور مقاومت، تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس، تضعیف ارتش‌های کشورهای محور مقاومت، اهداف سیاسی، نظامی و امنیتی، اهداف اقتصادی، غارت ثروت ملت‌های اسلامی، اهداف اقتصادی، تسلط بر منابع انرژی ملت‌های مسلمان

جدول (۵) مقوله‌های حاصل از تحلیل سخنان و منابع مکتوب کیسینجر

تجزیه کشورهای اسلامی، تضعیف حکومت‌های منطقه برای تضمین امنیت رژیم اشغالگر قدس، تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق قراردادن کشورهای سنی مذهب در برابر جبهه شیعه به رهبری ایران، تحریک مجادلات سیاسی، فرقه‌ای، قبیله‌ای، جغرافیایی، ایدئولوژیکی و سنتی بر سر منافع ملی، تثبیت اهداف ژئوپلیتیکی استکبار، نهادینه کردن اندیشه پلورالیسم در کشورهای اسلامی، ایجاد نظم سیاسی جدید در منطقه



جدول (۶) مقوله‌های حاصل از تحلیل مقاله جنگ سی‌ساله جدید ریچارد هاس

گسترش ملی‌گرایی در مقابل مبانی اعتقادی اسلام، گسترش مبانی علمی و فرهنگی جامعه مدنی در بین مسلمانان، بسط اقتصاد لیبرال در بین کشورهای منطقه، تشدید تنش‌های بین اهل سنت و شیعیان، جلوگیری دستیابی کشورهای اسلامی به فن‌آوری هسته‌ای، ایجاد حکومت‌های لائیک در منطقه بر مبنای دموکراسی غربی، حذف نفوذ منطقه‌ای ایران، تجزیه کشورهای اسلامی، تشکیل کشورهای ضعیف، تغییر جغرافیای سیاسی منطقه

جدول (۷) مقوله‌های حاصل از تحلیل مصاحبه لئون پانتا ۱۶/اکتبر/۲۰۱۴

بهره‌گیری از الگوی جنگ‌های مذهبی سی‌ساله اروپا در منطقه، ترمیم چهره بین‌المللی و افزایش قدرت نرم آمریکا

جدول (۸) مقوله‌های حاصل از تحلیل مقاله جنگ سی‌ساله جدید خاورمیانه نوشته مک میلان

تجزیه کشورهای اسلامی، تشکیل کشورهای منطقه به کشورهای کوچک و ضعیف، ایجاد نظم جدید سیاسی مطلوب غرب در منطقه

جدول (۹) تجميع مقوله‌های حاصل از تمامی منابع و مصاحبه‌ها

بی‌خبر و ناآگاه نگهداشتن مسلمانان نسبت به تعالیم ظلم ستیزانه اسلام؛ ایجاد بی‌تفاوتی در مسلمانان نسبت به مسائل و مشکلات سایر مسلمانان؛ نابودی منابع انسانی و اقتصادی، انحراف مسیر بیداری اسلامی، تغییر جغرافیای منازعه، تغییر جهت دشمنی از صهیونیسم به مسلمان، نهادینه‌سازی تفرقه در جوامع اسلامی، ایجاد تفرقه در بین مسلمانان با استفاده از اختلافات موجود در بین شیعه و سنی، تحمیل خسارات سنگین اقتصادی به ملل منطقه، ائتلاف منابع مالی، ارائه چهره زشت از اسلام، تضعیف محور مقاومت، ایجاد انحراف در جوانان مسلمان، انحراف انرژی‌ها و انگیزه‌های مصلحانه انسانی، نهادینه کردن جنگ‌های فرسایشی در جهان اسلام، اسلام‌هراسی، تغییر توجه و نگاه مسلمانان از دشمن اصلی (رژیم صهیونیستی)، ایجاد دشمنی و درگیری بین مسلمانان، ارائه چهره زشت از اسلام، القای ناکارآمدی اسلام، نابودی همه‌جانبه کشورهای اسلامی، قدرت‌افزایی تمدنی غرب، تضعیف بنیادهای حزب‌الله، تضعیف جبهه ضداسرائیل، شکل‌دهی به هندسه جدید قدرت، تثبیت حضور نظامی در منطقه، تشکیل میکروکشورها، نهادینه کردن جنگ، تضمین امنیت اسرائیل، حضور نظامی در منطقه، تثبیت اهداف ژئوپلیتیکی استکبار، نهادینه کردن اندیشه پلورالیسم در کشورهای اسلامی، ایجاد نظم سیاسی جدید در منطقه، استقرار اسلام سکولار بی‌تفاوت نسبت به مسائل اجتماعی، تغییر موازنه قوا در منطقه، قطع عقبه پشتیبانی محور مقاومت در لبنان و فلسطین، دفع تهدیدات نظامی و امنیتی علیه اسرائیل، ناامن‌سازی مناطق تحت نفوذ معنوی ایران،



خنثی‌سازی حضور حزب‌الله در لبنان و منطقه، تسری ناامنی به درون سرزمین ایران، محاصره ژئوپولیتیکی شیعیان، تأمین امنیت اسرائیل، تغییر ساختار سیاسی لبنان، به‌کارگیری امکانات مادی منطقه برای تأمین اهداف استکبار، مقابله با بیداری اسلامی، جلوگیری از تقویت محور مقاومت، جلوگیری از تضعیف اسرائیل، انحصار کنترل تولید مواد مخدر، تسلط بر نفت عراق به عنوان بدیل نفت عربستان، تأمین نیازهای بلندمدت اقتصادی، ایجاد کشورهای ضعیف، کشتن مسلمان به دست مسلمان، شکل‌دهی نقشه سیاسی جدید در منطقه، نهادینه کردن پلورالیسم سیاسی، ایجاد نظم جدید سیاسی در منطقه، گسترش ملی‌گرایی در جهان اسلام، گسترش جامعه مدنی، گسترش اقتصاد لیبرال، جلوگیری دستیابی کشورهای اسلامی به فن‌آوری هسته‌ای، ایجاد کشورهای لائیک در منطقه، تجزیه عراق، گسترش جنگ در همه جهان اسلام، ترمیم چهره بین‌المللی و افزایش قدرت نرم آمریکا، رفع انسجام جبهه اسلامی، ایجاد جنگ‌های فرسایشی، تضعیف درونی جهان اسلام، تضعیف باورهای دینی، تضعیف اعتقادات و انگیزه‌ها، امنیت اسرائیل و تضعیف جبهه شیعه اضمحلال تمدن اسلامی، تضعیف ایمان به اسلام، تأمین امنیت پایدار برای غرب، تأمین منافع شرکت‌های اسلحه، استحاله فرهنگی، یکدست‌سازی اهل سنت بر مبنای اندیشه تکفیر، ایجاد جنگ تمام‌عیار فرسایشی در جهان اسلام، تثبیت حضور به دلیل استفاده از عناصر قدرت ژئوپلیتیک به نفع خود، جلوگیری از احیای تمدن اسلامی، حذف دولت‌های مقتدر از منطقه، سیطره بر انرژی و بازار وسیع، تجزیه ایران، انحراف شور جوانان مسلمان، حذف دین از عرصه عمومی، ایجاد نفرت از دین، ظرفیت‌سازی نظامی، استمرار ناامنی در منطقه، سبک کردن احکام الهی، حذف دین از مناسبات اجتماعی، تضعیف سه نهاد شریعت و مسجد و روحانیت، ایجاد دین‌گرایی عمومی در جهان اسلام، حذف اسلام به‌عنوان ایدئولوژی رقیب، تضعیف نفوذ تمدنی اسلام، خنثی کردن ایدئولوژی اسلام توسط اسلام، تغییر رژیم در ایران، خالی کردن پتانسیل درونی جهان اسلام، تجزیه کشورهای منطقه به دولت‌های کوچک و ضعیف، تولد دولت-ملت‌های سکولار، فشار بر ایران، ایجاد یک دولت روحانی سنی رقیب دولت روحانی شیعه، نابودی جریان‌های شیعه، ایجاد چالش برای حاکمیت شیعه و مقابله با اندیشه انقلاب اسلامی، ایران موضوع اصلی سیاست خارجی آمریکا، ترویج سکولاریسم در تقابل با انقلاب اسلامی، دین‌گرایی و دین‌زدایی، کاهش سطح انگیزه‌های دینی، بی‌زاری از دین، براندازی دین، استمرار ناامنی، تقویت نفوذ غرب، امنیت اسرائیل، حفظ حضور در منطقه، افزایش نفوذ در منطقه، حضور و نفوذ هدف اول، تقویت اسرائیل، تضعیف کشورهای منطقه، تضعیف شریعت اسلامی، حذف جمهوری اسلامی و شکل‌دهی به موازنه قدرت جدید.

ویرایش و پالایش مقوله‌های فرعی:

در این گام مقوله‌های فرعی به‌دست آمده، در مرحله قبل مورد ویرایش و پالایش قرار گرفته و مقوله‌هایی انتخاب شدند که باهدف پژوهش مطابقت بیشتری داشتند. ویرایش و پالایش مقوله‌ها از طریق حذف، ادغام و یا ویرایش مقوله‌های فرعی مشابه و تکراری صورت می‌گیرد، در این گام ... مقوله حاصل از تحلیل داده‌ها به ... مقوله کاهش یافت. جدول ۱۰ دربردارنده مقوله‌های ویرایش شده است.



جدول (۱۰) ویرایش و پالایش مقوله‌های فرعی

مقوله‌های اولیه	مقوله‌های نهایی
تضعیف اعتقادات و انگیزه‌ها، تضعیف باورهای دینی و ایمان به اسلام، تضعیف سه نهاد شریعت و مسجد و روحانیت، تضعیف شریعت اسلامی، ایجاد نفرت از دین، حذف اسلام به‌عنوان ایدئولوژی رقیب استکبار، سبک کردن احکام الهی، القای ناکارآمدی اسلام، کاهش سطح انگیزه‌های دینی	حذف/تضعیف مبانی و ارزش‌های اسلامی
بسط گفتمان جامعه مدنی، نهادینه کردن اندیشه پلورالیسم در کشورهای اسلامی،	بسط ارزش‌های غربی در جهان اسلام
حذف دین از عرصه عمومی، تثبیت فرهنگ سکولاریستی در منطقه، ایجاد دین‌گریزی عمومی، براندازی دین، استقرار اسلام سکولار در جهان اسلام	حذف دین از مناسبات اجتماعی (بسط اندیشه سکولاریسم در جهان اسلام)
دین‌زدایی در جهان اسلام، خنثی کردن ایدئولوژی اسلام توسط اسلام،	تثبیت اندیشه لاتیسم در جهان اسلام
حذف اندیشه انقلاب اسلامی	حذف اندیشه انقلاب اسلامی
بی‌خبر و ناآگاه نگاه‌داشتن مسلمانان نسبت به تعالیم ظلم ستیزانه اسلام، ایجاد بی‌تفاوتی در مسلمانان نسبت به مسائل و مشکلات سایر مسلمانان	بسط گفتمان اسلام آمریکایی
ایجاد دشمنی و درگیری بین مسلمانان، کشتن مسلمان توسط مسلمان، نهادینه‌سازی تفرقه در جهان اسلام	نهادینه‌سازی تفرقه در جهان اسلام
تضعیف محور مقاومت، نابودی محور مقاومت، تغییر موازنه قوا به نفع دشمنان مقاومت، تغییر ساختار سیاسی لبنان، تضعیف جبهه ضداسرائیل، جلوگیری از تقویت محور مقاومت، رفع انسجام جبهه اسلامی	حذف/تضعیف محور مقاومت
انحراف مسیر بیداری اسلامی، مقابله با بیداری اسلامی	انحراف جریان بیداری اسلامی
ایجاد دشمنی و درگیری بین مسلمانان، خنثی کردن ایدئولوژی اسلام توسط اسلام تضعیف نفوذ تمدنی اسلام، اضمحلال و جلوگیری از احیای تمدن اسلامی، مقابله با اندیشه انقلاب اسلامی، حذف اسلام به‌عنوان ایدئولوژی رقیب استکبار، کشتن مسلمان به دست مسلمان	جلوگیری از احیای تمدن اسلامی
حذف دولت‌های مقتدر از منطقه، تجزیه کشورهای منطقه به دولت‌های کوچک و ضعیف، ایجاد کشورهای ضعیف، تغییر موازنه قوا در منطقه، استمرار ناامنی در منطقه، شکل‌دهی به هندسه جدید قدرت	اجرای سیاست بالکانیزه کردن منطقه



تضعیف جریان شیعه در اسلام	محاصره ژئوپلیتیکی شیعیان، ایجاد چالش برای حاکمیت شیعه، تضعیف جبهه شیعه
حذف/تضعیف جمهوری اسلامی	فشار بر ایران، تغییر رژیم در ایران، تسری ناامنی به درون سرزمین ایران، ناامن‌سازی مناطق تحت نفوذ معنوی ایران، حذف جمهوری اسلامی
قدرت‌زدایی از جهان اسلام	تضعیف کشورهای منطقه، تضعیف درونی جهان اسلام، نهادینه کردن جنگ‌های فرسایشی در جهان اسلام، قدرت‌افزایی تمدنی غرب، جلوگیری دستیابی کشورهای اسلامی به فن‌آوری هسته‌ای، انحراف شور جوانان مسلمان، انحراف انرژی‌ها و انگیزه‌های مصلحانه انسانی، خالی کردن پتانسیل درونی جهان اسلام
اسلام هراسی	اسلام هراسی، ارائه چهره زشت از اسلام
تغییر جهت دشمنی از صهیونیسم به اسلام	تغییر جهت دشمنی از صهیونیسم به اسلام
تجزیه ایران	نابودی ایران، تجزیه ایران
بدیل‌سازی برای جمهوری اسلامی	ایجاد یک دولت روحانی سنی رقیب دولت شیعه، بدیل‌سازی برای جمهوری اسلامی
بسط اندیشه ناسیونالیسم در جهان اسلام	بسط ملی‌گرایی، بسط اندیشه ناسیونالیسم در جهان اسلام
القای یگانگی اهل سنت و تکفیر	القای یگانگی اهل سنت و تکفیر
ایجاد نظم سیاسی مطلوب استکبار در منطقه	ایجاد نظم سیاسی مطلوب استکبار در منطقه، شکل‌دهی به موازنه قدرت جدید
ترمیم چهره بین‌المللی آمریکا و افزایش قدرت نرم آمریکا	ترمیم چهره بین‌المللی آمریکا و افزایش قدرت نرم آمریکا
تحلیل قوای درونی جهان سلام	به‌کارگیری امکانات مادی منطقه برای تأمین اهداف استکبار، نابودی منابع انسانی و اقتصادی، تحمیل خسارات سنگین اقتصادی به ملل منطقه، اتلاف منابع مالی، غارت ثروت ملت‌های اسلامی
سیطره بر منابع انرژی جهان اسلام	سیطره بر انرژی منطقه، تسلط بر نفت عراق به عنوان بدیل نفت عربستان
تضمین منافع اقتصادی استکبار در جهان اسلام	تضمین منافع اقتصادی استکبار در جهان اسلام، تأمین منافع شرکت‌های اسلحه، سیطره بر بازار وسیع منطقه، کنترل تولید مواد مخدر



بسط اقتصاد کاپیتالیستی در جهان اسلام	گسترش اقتصاد لیبرال، بسط اقتصاد کاپیتالیستی در جهان اسلام
نابودی منابع انسانی مسلمانان توسط خودشان	نابودی منابع انسانی مسلمانان توسط خودشان
نابودی اقتصاد کشورهای اسلامی	تحمیل خسارات سنگین اقتصادی به ملل منطقه، نابودی منابع انسانی و اقتصادی، نابودی زیرساخت‌های کشورهای اسلامی، ائتلاف منابع مالی
تضمین امنیت رژیم اشغالگر	تغییر موازنه قوا به نفع رژیم اشغالگر قدس، تضمین امنیت رژیم اشغالگر، تقویت رژیم اشغالگر، تغییر جغرافیای منازعه
تضعیف بازوهای نظامی محور مقاومت	قطع عقبه پشتیبانی محور مقاومت در لبنان و فلسطین، خنثی‌سازی حضور حزب‌الله در لبنان و منطقه، نابودی ارتش کشورهای محور مقاومت
تثبیت حضور نظامی استکبار در منطقه	تثبیت حضور نظامی در منطقه با پوشش اهداف انسان دوستانه، افزایش نفوذ در منطقه، تأمین امنیت پایدار برای غرب در منطقه، حضور نظامی در منطقه با پوشش اهداف انسان دوستانه، تثبیت حضور نظامی در منطقه، ایجاد ظرفیت‌های نظامی، تثبیت حضور به دلیل استفاده از عناصر قدرت ژئوپلیتیک، تقویت نفوذ غرب، زمینه‌سازی برای حضور نظامی استکبار در منطقه

طبقه‌بندی مقوله‌ها

هدف از این مرحله طبقه‌بندی مقوله‌های فرعی، در قالب مقوله‌های اصلی است، تعیین و نام‌گذاری طبقات اصلی مقوله‌ها در پژوهش‌های کیفی می‌تواند، قبل و یا بعد از شناسایی مقوله‌های فرعی صورت گیرد. مایرینگ (۲۰۰۰) دو شیوه «به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها» و «تکوین استقرایی مقوله‌ها» را برای طبقه‌بندی مقوله‌ها مطرح می‌کند. در شیوه به‌کارگیری قیاسی، مقوله‌ها با توجه به چارچوب نظری از پیش تعیین شده‌ای، فرمول‌بندی می‌شوند؛ اما در شیوه تکوین استقرایی مقوله‌ها، هیچ چارچوب نظری، ایده و تعریف مشخص و از پیش تعیین شده‌ای، برای طبقه‌بندی مقوله‌ها وجود نداشته و مقوله‌ها به‌صورت اکتشافی طبقه‌بندی می‌شوند. با این توضیح، در این تحقیق از روش تکوین استقرایی برای طبقه‌بندی مقوله‌ها استفاده شده است.

در این مرحله هر یک از مقوله‌های فرعی، صرفاً در قالب یکی از مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شده و برای هر یک از مقوله‌های اصلی نام مناسبی انتخاب می‌گردد، برای نام‌گذاری مقوله‌های اصلی سعی بر این است که بر اساس مفاهیم مشترک و مشابهی که از مقوله‌های فرعی به‌دست آمده است، نام مناسبی برای مقوله‌های اصلی انتخاب شود. در این



گام ۳۱ مقوله فرعی ویرایش شده در قالب چهار مقوله اصلی شامل «اهداف سیاسی» «اهداف اقتصادی» «اهداف نظامی - امنیتی» و «اهداف فرهنگی» از طریق رویکرد استقرایی طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شدند که نتایج آن در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول (۱۱) طبقه‌بندی مقوله‌ها

مقوله اصلی	مقوله فرعی
اهداف سیاسی	تجزیه ایران، حذف/ تضعیف محور مقاومت، حذف/تضعیف نظام جمهوری اسلامی، بدیل‌سازی برای جمهوری اسلامی، بسط اندیشه ناسیونالیسم در جهان اسلام، انحراف جریان بیداری اسلامی، تضعیف جریان شیعه در جهان اسلام، جلوگیری از احیای تمدن اسلامی، اجرای سیاست بالکانیزه کردن منطقه، القای یگانگی اهل سنت و تکفیر، ایجاد نظم سیاسی مطلوب استکبار در منطقه، تغییر نگاه دشمنی از صهیونیسم به اسلام، ترمیم چهره بین‌المللی و افزایش قدرت نرم آمریکا، اسلام‌هراسی، قدرت‌زدایی از جهان اسلام
اهداف اقتصادی	نابودی منابع انسانی مسلمانان توسط خودشان، تضمین منافع اقتصادی استکبار در جهان اسلام، سیطره بر منابع انرژی جهان اسلام، بسط اقتصاد کاپیتالیستی در جهان اسلام، نابودی اقتصاد کشورهای اسلامی، تحلیل قوای درونی جهان اسلام
اهداف فرهنگی	نهادینه‌سازی تفرقه در جهان اسلام، حذف اندیشه انقلاب اسلامی، حذف/تضعیف مبانی و ارزش‌های اسلامی، بسط ارزش‌های غربی در جهان اسلام (غربی‌سازی جهان اسلام)، تثبیت اندیشه لائیسزم در جهان اسلام، بسط گفتمان اسلام آمریکایی، حذف دین از مناسبات اجتماعی (بسط اندیشه سکولاریسم در جهان اسلام)
اهداف نظامی - امنیتی	تضمین امنیت رژیم اشغالگر، تضعیف بازوهای نظامی محورمقاومت، تثبیت حضور نظامی استکبار در منطقه

تحلیل داده‌های کمی

در این مرحله که به‌منظور اعتباریابی و اولویت‌بندی یافته‌های حاصل از مرحله کیفی اجرا شد، برای اعتباریابی اهداف استکبار از روش دلفی استفاده شد، برای این منظور یافته‌های حاصل از مرحله کیفی در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته، سازمان‌دهی و برای پاسخگویان ارسال و از آنان خواسته شد که نسبت به‌ضرورت (اعتبار) و اهمیت (اولویت‌بندی) اهداف استکبار که در مرحله کیفی استخراج شده بود، اظهار نظر نمایند، داده‌های حاصل از پرسشنامه، پس از دو مرحله رفت‌وبرگشت، توسط آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت، نتایج آزمون دوجمله‌ای نشان داد که تمامی اهداف استکبار مورد تأیید پاسخگویان به پرسشنامه قرار گرفت.



برای اولویت‌بندی اهداف استکبار نیز از آزمون تی استفاده شد که نتایج آن در جداول شماره ۱۲ تا ۱۶ ارائه شده است.

همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد که از نظر پاسخگویان، اولویت اهداف استکبار به ترتیب اهمیت شامل اهداف سیاسی، فرهنگی، نظامی - امنیتی و اقتصادی است.

جدول (۱۲) اولویت اهداف استکبار از ایجاد جنگ‌های مذهبی

هدف	اهداف	اهداف فرهنگی	اهداف نظامی -	اهداف اقتصادی
اولویت	اولویت یکم	اولویت دوم	اولویت سوم	اولویت چهارم

همچنین نتایج بررسی پرسشنامه نشان داد که از نظر پاسخگویان، اولویت اهداف فرعی هر یک از اهداف اصلی استکبار مطابق اولویت‌های ارائه شده در جداول ۱۳ تا ۱۶ است.

جدول (۱۳) اولویت اهداف سیاسی

اولویت	اهداف	اولویت	اهداف	اولویت	اهداف
۱	اسلام هراسی	۶	تجزیه ایران	۱۱	تغییر نگاه دشمنی از
۲	حذف/ تضعیف	۷	جلوگیری از احیای	۱۲	بدیل‌سازی برای
۳	حذف/ تضعیف نظام	۸	ایجاد نظم سیاسی	۱۳	القای یگانگی اهل
۴	انحراف جریان	۹	قدرت‌زدایی از جهان	۱۴	بسط اندیشه
۵	تضعیف شیعه	۱۰	اجرای سیاست	۱۵	ترمیم چهره بین‌المللی و

جدول (۱۴) اولویت اهداف فرهنگی

اولویت	اهداف	اولویت	اهداف	اولویت	اهداف
۱	حذف اندیشه انقلاب اسلامی	۳	حذف دین از مناسبات اجتماعی (بسط اندیشه)	۵	حذف/ تضعیف مبانی و ارزش‌های اسلامی
۲	نهادینه‌سازی	۴	بسط ارزش‌های غربی	۶	بسط گفتمان
۷	تثبیت اندیشه لائیسزم در جهان	-	-	-	-

بر اساس نتایج تحقیق، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پیگیری راهبرد جنگ سی‌ساله جهان اسلام توسط استکبار، پیگیری اهداف فرهنگی است. این اهداف عبارتند از: نهادینه‌سازی تفرقه در جهان اسلام، حذف اندیشه انقلاب اسلامی، حذف/تضعیف مبانی و ارزش‌های اسلامی، بسط ارزش‌های غربی در جهان اسلام (غربی‌سازی جهان اسلام)، تثبیت اندیشه لائیسزم در جهان



اسلام، بسط گفتمان اسلام لیبرال، حذف دین از مناسبات اجتماعی (بسط اندیشه سکولاریسم در جهان اسلام).

اهمیت اهداف فرهنگی استکبار در این راهبرد علاوه بر نتایج پژوهش، در بررسی تجارب جنگ سی‌ساله اروپا نیز قابل مشاهده است. در دوران پیش‌ازین جنگ، عرصه قدرت در جهان مسیحیت دارای دو مدعی بزرگ بوده است. نخست کلیسا به‌عنوان نهاد متولی دین و پس‌از آن شاهان و سرمایه‌داران بزرگ که در بسیاری از مقاطع گروه دوم اعتبار و مشروعیت خود را از گروه اول یعنی نهاد کلیسا دریافت می‌کرد.

ایجاد یک تغییر بزرگ در عرصه سیاست‌ورزی در اروپا، نیازمند ایجاد یک تحول بزرگ در عرصه فکری و فرهنگی جوامع اروپایی است. این تحول بزرگ یعنی ایجاد نفرت از دین نیازمند یک رویداد بزرگ بود. یک جنگ طولانی با اثرات اجتماعی وسیع و رقت‌انگیز که ابتدا با انگیزه‌های دینی که بر اثر تحریکات مذهبی عوامل نفوذی در دربارهای پادشاهان اروپایی پدید آمده بود آغاز شد و در ادامه به عرصه‌ای برای کشمکش‌ها و اتحادهای صاحبان قدرت در این قاره بدل گشت. دگرگونی فرهنگی حاصل از جنگ سی‌ساله اروپا مقدمه حذف نهاد دین از عرصه سیاست و قدرت بود و این دست‌آورد مهم انگیزه قابل توجهی را در سیاست‌گذاران استکبار برای استفاده از این تجربه در جهان اسلام که پس از انقلاب اسلامی ایران موج بازگشت به دین را در خود می‌دید، پدید آورد.

جدول (۱۵) اولویت اهداف نظامی - امنیتی

اولویت	اهداف	اولویت	اهداف	اولویت	اهداف
۱	تضعیف بازوهای نظامی محور مقاومت	۲	تضمین امنیت رژیم اشغالگر	۳	تثبیت حضور نظامی استکبار در منطقه

در بعد اهداف نظامی - امنیتی مشخصاً به سه هدف اشاره می‌شود. نخست تضمین امنیت رژیم اشغالگر قدس است. جایگاه این رژیم در راهبردهای کلان استکبار باعث اتخاذ تدابیر و سیاست‌های متنوعی برای حفظ موجودیت و امنیت رژیم صهیونیستی شده است. هدف دوم عبارت است از تضعیف بازوهای نظامی محور مقاومت. درگیر شدن حزب‌الله لبنان در جنگ و ورود نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن به همراه ایجاد و راهبری یگان‌های رزمی از کشورهای مقاومت در منطقه که به‌طور مشخص ذیل بازوهای نظامی محور مقاومت تعریف شده‌اند، در بلندمدت باعث فرسایش این نیروها است؛ و هدف سوم یعنی تثبیت حضور نظامی استکبار در منطقه نیز از اهداف بیان شده است.



جدول (۱۶) اولویت اهداف اقتصادی

اولویت	اهداف	اولویت	اهداف	اولویت	اهداف
۱	تحلیل قوای درونی جهان اسلام	۳	سیطره بر منابع انرژی جهان اسلام	۵	بسط اقتصاد کاپیتالیستی در جهان
۲	نابودی منابع انسانی مسلمانان توسط خودشان	۴	نابودی اقتصاد کشورهای اسلامی	۶	تضمین منافع اقتصادی استکبار در جهان اسلام

اهداف اقتصادی استکبار، عبارتند از: نابودی منابع انسانی مسلمانان توسط خودشان، تضمین منافع اقتصادی استکبار در جهان اسلام، سیطره بر منابع انرژی جهان اسلام، بسط اقتصاد کاپیتالیستی در جهان اسلام، نابودی اقتصاد کشورهای اسلامی، تحلیل قوای درونی جهان اسلام. فرضیه این تحقیق اولویت اهداف سیاسی و فرهنگی بر اهداف اقتصادی و نظامی بود و براساس نتایج این تحقیق، اهداف اقتصادی استکبار در اولویت آخر اهداف قرار گرفته‌اند و در حقیقت فرضیه بالا اثبات شد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱- نتیجه‌گیری

جنگ مذهبی مفهومی است که در ادبیات علمی همراه با واژه‌های دیگری مانند جنگ مقدس^۱ یا جنگ خدایان^۲ مطرح است. از طرفی واقعه جنگ سی‌ساله اروپا یکی از مقاطع مهم تاریخ این قاره است که تأثیرات آن بر روند عمومی روابط بین‌الملل بسیار عمیق و شگرف بوده است. این تأثیر را به دو نتیجه کلی حاصل شده از این جنگ می‌توان نسبت داد. اول به حاشیه رفتن دین از صحنه اداره اجتماع در آیین مسیحیت و تولد مفهوم سکولاریسم و دوم ایجاد نظم سیاسی جدید و تولد دولت-ملت‌ها و پیدایش مفهوم ملی‌گرایی. البته مسلماً در کنار این دو پیامد، تبعات فرعی دیگری از جمله تبعات اقتصادی و جابجایی‌های ثروت نیز در پس این جنگ حاصل شده است؛ اما آنچه که این مقطع از تاریخ اروپا را مهم می‌سازد زایش

^۱- Holy War

^۲- gods War



و نشوونمای دو مفهوم مهم و اثرگذار در اروپا و به‌تبع آن روابط بین‌الملل یعنی سکولاریسم و ملی‌گرایی^۱ است.

با تولد و تثبیت این دو مفهوم در اروپا، یعنی مرکز آیین مسیحیت، این دین برای همیشه از صحنه سیاست و اجتماع کنار رفت و مشخص شد که جریان قدرت و ثروت، دخالت دین مسیح علی‌رغم وجود تحریفات فراوان و فساد روحانیت مسیحی، در ساحت حیات اجتماعی بشر را برنناخته، در ورای این جنگ سی‌ساله آن را برای همیشه کنار زدند؛ اما رخ دادن این اتفاق در جهان مسیحیت و موفقیت جریان ضددین در پیاده‌سازی این راهبرد در آیین مسیح، استکبار را به فکر پیاده‌سازی و استفاده از تجارب این جنگ در جهان اسلام نیز نمود. در جهان اسلام با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، گفتمان بازگشت دین به ساحت اجتماع احیا شد و این روند ارکان نظام فلسفی و فکری غرب را به چالش می‌طلبید؛ بنابراین یک تجربه موفق در عالم مسیحیت می‌توانست این بار در عالم اسلام تکرار شود.

با این وصف، کلیدواژه جنگ سی‌ساله جهان اسلام موضوع مهمی است که شناخت ابعاد و اثرات آن برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ارشد و نخبگان فکری جمهوری اسلامی لازم و ضروری خواهد شد. از نظر سیاست‌گذاران استکبار، اوضاع منطقه غرب آسیا شبیه اروپای ابتدای قرن هفدهم بود. وجود سه دولت قدرتمند به‌عنوان قدرتهای منطقه‌ای که دارای دومذهب کاملاً متقابل هستند و در کنار آن تعدادی دولت‌های کوچک‌تر که زمینه را برای ائتلاف‌سازی‌ها مهیا کرده‌اند، عامل اصلی شکل‌گیری این برآورد در میان غربی‌ها شد.

کیسینجر در کتاب نظم جهانی که در آن، کاربست تجربیات جنگ سی‌ساله مذهبی اروپا در جهان اسلام نظریه‌پردازی شده است، به موضوع ایجاد نظم سیاسی مدنظر ایالات‌متحده در منطقه اشاره می‌کند. از نظر او نبردهای منطقه هم دارای ویژگی مذهبی هم ژئوپلیتیکی است. باید اجازه داد این نبردها مسیر خود را طی کنند و این مسیر طبیعتاً به شکل‌گیری دولت‌هایی منجر می‌شود که پس‌ازاین دوره ناخواسته و خشن، برخاسته از یک نظم منطقه‌ای جدید ساخته دست آمریکا هستند؛ و این نظریه همان چیزی است که در یافته‌های تحقیق نیز بدان اشاره شده است. نظم جدید موردنظر آمریکا، نظم سکولار است و منطقه غرب آسیا ساختاری کاملاً درهم‌تنیده با مذهب دارد و باید ابتدا بنیان‌های ساختاری متکی به مذهب

^۱ - Nationalism



در این منطقه را متزلزل کرد؛ بنابراین ابتدا با اجرای راهبرد اسلام هراسی همه تلاش برای جلوگیری از گسترش اسلام صورت می‌گیرد، است.

ایجاد یک ساختار جدید در بستر تغییرات ناشی از یک جنگ خانمانسوز سی‌ساله را که بنیان اساسی آن برپایه تفاوت‌های مذهبی شکل گرفته است، آن چیزی است که کیسینجر برای آن نظریه‌پردازی کرده است. این ساختار جدید برپایه چند نقطه اساسی بنا شده است. اول ایجاد تغییرات اساسی در مرزبندی میان کشورها با شکل‌دهی به کشورهای جدید کوچک. در این تغییر اساسی ایران و بازوهای قدرت آن در محور مقاومت نقطه کانونی هستند. تجزیه کشورهای منطقه خصوصاً ایران که منجر به حذف یا حداقل تضعیف نظام جمهوری اسلامی و نهایتاً حذف یا تضعیف محور مقاومت و تضعیف جریان شیعه در جهان اسلام می‌شود یکی از نقاط کانونی این ساختار بندی جدید است.

نقطه کانونی دیگر این ساختار، قدرت‌زدایی از جهان اسلام است. در این ساختار کشورهای اسلامی همه کشورهای ضعیف و بدون کمترین میزان قدرت سیاسی هستند که اندک قدرت خود را نیز به‌ناچار برای حفظ بقای خود در برابر کشورهای کوچک همسایه به‌کاررفته خواهند گرفت. این هدف با گسترش اندیشه ملی‌گرایی دارای بستر پیاده‌سازی می‌شود و سپس با اجرای سیاست‌هایی مانند بالکانیزه کردن منطقه، در عمل اجرا خواهد شد.

نقطه کانونی سوم در این ساختار، اجتماعی است که امر دین از همه شئون جمعی آن کنار گذاشته شده است. در این ساختار، دین از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و سایر نظامات اجتماعی دخیل نیست و امری کاملاً فردی و درونی محسوب می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در این کشورها اندیشه انقلاب اسلامی جای خود را به اندیشه اسلام آمریکایی و مبانی ارزشی اسلامی جای خود را به چارچوب‌های ارزشی غربی داده است.



۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

- ۱) آرون ریمون، (۱۳۹۶). **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی سیاسی** (ترجمه باقر پرهام). تهران: مؤسسه انتشارات علمی فرهنگی.
- ۲) احمدی، حمید. (۱۳۸۴). جنبش‌های اسلامی و خشونت در خاورمیانه. **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۴۱، صص ۵۶ - ۳۱.
- ۳) امیرعبداللهیان، حسین. (۱۳۹۹). **صبح شام: روایتی از بحران سوریه** (تدوین: محمدمحسن مصحفی). تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۴) بنارد، چریل. (۱۳۸۲). **اسلام دمکراتیک مدنی** (ترجمه عسکر قهرمانپور بناب). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵) تودنهورف، یورگن. (۱۳۹۵). **نگاهی به داعش از درون** (ترجمه رحمان افشاری). تهران: انتشارات مهراندیش.
- ۶) حیدری، الهام. (۱۳۹۴). کالبد شکافی جریان داعش، بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. **فصلنامه حبل‌المتین**، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۱۸ - ۱۰۱.
- ۷) دمارانش، الکساندر. (۱۳۸۶). **جنگ جهانی چهارم دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت**. (ترجمه سهیلا کیان‌تاز). تهران: مؤسسه انتشارات اطلاعات.
- ۸) دوئرتی جیمز، فالتزگراف رابرت. (۱۳۸۸). **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**. (ترجمه علیرضا طیب، وحید بزرگی). تهران: نشر قومس.
- ۹) دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۰). **واقع‌گرایی نوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. **فصلنامه سیاست خارجی**. سال بیست و پنجم شماره ۲.
- ۱۰) عسکرخانی، ابومحمد. (۱۳۸۳). **رژیم‌های بین‌المللی**. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.
- ۱۱) کسرائی محمدسالار؛ و داوری مقدم سعیده. (۱۳۹۴). **برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیلی جامعه شناختانه**. **فصلنامه روابط خارجی**، سال هفتم، شماره ۱، صص ۲۱۶ - ۱۹۱.
- ۱۲) کیسینجر، هنری. (۱۳۹۷). **نظم جهانی، تأملی در ویژگی ملتها و جریان تاریخ**. (ترجمه محمدتقی حسینی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۳) لويس، برنارد. (۱۳۹۷). **خاورمیانه**. (ترجمه حسن کامشاد). تهران: نشر نی.
- ۱۴) مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. تهران: انتشارات سمت.



- ۱۵) مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۴). **سیاست میان ملت‌ها** (ترجمه حمیرا مشیرزاده). تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۶) نیکسون، ریچارد. (۱۳۷۱). **پیروزی بدون جنگ**. (ترجمه فریدون دولتشاهی). تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۷) والتز، کنث. (۱۳۹۸). **انسان، دولت و جنگ**. (ترجمه محمدرضا رستمی). تهران: نشر ثالث.

۶-۲- منابع لاتین

Articles

- 1) Al-Istrabadi, Feisal, Ganguly Sumit. (2018). *The Future of ISIS Book Subtitle: Regional and International Implications*. Brookings Institution Press. Available from:
- 2) <https://www.jstor.org/stable/10.7864/j.ctt1zctt19.2>
- 3) **Collins Jeffrey. (2018). 13 All the Wars of Christendom: Hobbes's Theory of Religious Conflict. Available from: <https://academic.oup.com/book/7959/chapter-abstract/153283303?redirectedFrom=fulltext&login=false>**
- 4) **Edwards, Beverley M. (2006). Islam and Violence in the Modern Era. London: Palgrave McMillan.**
- 5) Cohen, Eliot A. (2001). *World War IV. The Wall Street Journal*. Available from:
- 6) www.wsj.com/artecles/SB1006210259392114120 Accessed Jun. 29, 2018
- 7) Fischer Joschka, (2018), **Syria Israel Iran conflict**. Available from:
- 8) <https://www.project-syndicate.org/commentary/syria-israel-iran-conflict-by-joschka-fischer-2018-02?barrier=accesspaylog>. Accessed Dec. 11, 2018
- 9) Hass Richard N.(2014). **The new thirty years war**, available from:
- 10) www.cfr.org/middle-east-and-north-africa/new-thirty-years-war/p33267 Accessed Feb. 5, 2018
- 11) **Huntington, Samuel P. (1993). The Clash of Civilizations? *Foreign Affairs* Vol. 72, No. 3 (summer, 1993), pp. 22-49.**
- 12) Jitse H. F., Rashel Christan R. (2020). **Religious Violence in the Ancient World From Classical Athens to Late Antiquity**. Cambrige University press.
- 13) Kerry, John. (2015). *Negotiating the Whirlwind, Can Secretary of State John Kerry breakthrough in Syria?* Available from: <https://www.newyorker.com/magazine/2015/12/21/negotiating-the-whirlwind?Verso=true>.
- 14) Kissinger Henry, (2014), **world Order**. NY. Penguin Books
- 15) Klocek Jason, Hassner Ron E. (2019). **B.War and Religion**. Oxford Research Encyclopedias Available from:



- www.oxford.com/politics/politics/view/10.10/acrefor/9780190228637.001.0001/acrefor-9780190228637-e-984.
- 16) Lewis, Bernard. (1992). Rethinking middle-east. **Foreign affairs**. Available from:
- 17) <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/1992-09-01/rethinking-middle-east>
- 18) Lewis, Bernard. (1999). Iran in history. Available from:
- 19) www.pe.wvu.edu/IRAN-in-History.pdf
- 20) Lewis, Bernard. (2001). Jihad vs. Crusade: A historian's guide to the new war. **TheWall Street Journal**, September.
- 21) Nye, Joseph. (2015). How to fight Islamic State. Project Syndicate. Available from: www.project-syndicate.org/commentary/how-to-fight-the-islamic-state-s-nye-2015-Barrier=accessreg
- 22) Panetta, Leon. (2014). 30-years war and a leadership test for Obama. USA Today. Available from: <https://www.usatoday.com/story/news/politics/2014/10/20/leon-panetta-memoir-worthy-fights/16737615/>
- 23) Steger, Manfred B. (2005). **Globalism: Market Ideology Meets Terrorism**. Second edition, Row man and Littlefield Publishers Inc... Accessed Feb. 21, 2019
- 24) World Fact book, (2019). Available from:
- 25) <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/xx.html>
- 26) Zakaria, F. (1998). **From Wealth to Power: The Unusual Origins of America's World Role**. Princeton, NJ: Princeton University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

